پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

حافظ چه میگوید؟

(۴)

۴ - خراباتیان چه میگفتند؟

خراباتیان گروهی بودند که اینجهان راهیچ وپوچ پنداشته یکدستگاه بیهوده‌اش میشماردند وبآفرینش وآفریدگار ایرادهای بسیار میگرفتند:

ای بی خبر این شکل مجسم هیچست
وین طارم نه رواق ارقم هیچست

جهان وکارجهان جمله هیچ درهیچ است
هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

این دستگاه‌را کم‌ارج وخوار داشته می سرودند:

حاصل کارگه کون و مکان اینهمه نیست
باده پیش‌آر که اسباب جهان اینهمه نیست

می گفتند: از جستجو کسی راهبجایی نمی‌برد وراز اینجهان دانسته نمی شود:

درپرده اسرار کسی را ره نیست
زین تعبیه جان هیچکس آگه نیست

خرد وفهم راخوار وبی ارج شمرده می گفتند:

زباده هیچت اگر نیست این نه بس که ترا
دمی ز وسوسه عقل بیخبر دارد

می گفتند: هرچه در جهان گفته شده جز دروغ وافسانه نیست.

آنانکه محیط فضل وآداب شدند
در کشف دقیقه شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند بدر
گفتند فسانه ای و در خواب شدند.

می گفتند: زندگی جز یک خواب و خیالی نیست که‌میآید ومیگذرد:

احوال جهان و اصل این عمر که هست
خوابی و خیالی و فریبی و دمیست

بآفریدگار ایراد گرفته می گفتند: بهرچه اینهمه مردم‌را می آفریند و سپس نابود میکند؟! آیا یک [illegible] گری ای میکند که کاسه بسازد وآنهارا بشکند؟

ترکیب پیاله ای که در هم پیوست
بشکستن او روا نمی دارد دست
چندین سر و پای نازنین از سردست
بامهر که پیوست وبکین که شکست

می گفتند: این جهان نه آغازش و نه انجامش دانسته نمیباشد. ما نمیدانیم از کجا آمده ایم وبکجا خواهیم رفت:

دوری که در او آمدن ورفتن ماست
آنرا نه بدایت و نه نهایت پیداست
کس می نزند دمی دراین معنی راست
کین آمدن از کجا و رفتن بکجاست؟!

معلوم نشد که در طربخانه خاک
نقاش ازل بهر چه آراست مرا؟!

ازاین گفته های خود نتیجه گرفته می گفتند: در اینجهان اندیشیدن و خرد بکار بردن ودربند گذشته و آینده بودن بیجهت است و از کوشش نیز نتیجه ای بدست نخواهد آمد پس بهتر آنست که آدمی غم گذشته وآینده نخورد و پروای چیزی نکند ودل خوش دارد، و اگر خوشی بخود دست نداد با باده آن را بدست آورد. می گفتند: عمر آدمی آن یکدمیست که در آنست وباید آنرا غنیمت باخوشی ومستی بسر برد وبا چنگ وچغانه در خرابات (میخانه‌ها) روز گزارد. می گفتند: این جهان قرنهای بیشمار دیده گردیده وآدمیان پیاپی آمده ورفته‌اند وما نیز پس از چندی خواهیم رفت.

چون عهده نمی کند کسی فردا را
یاری خوش کن تو این دل سودارا
می نوش بنور ماه ای ماه که ماه
بسیار بیابد و نیابد ما را

با باده نشین که ملک محمود اینست
وز چنگ شنو که لحن داودا ینست
از آمده و رفته دگر یاد مکن
خوش باش که از وجود مقصود اینست

بادت بدست باشد اگر دل نهی بهیچ
در معرضی که ملک سلیمان رود بباد

دی پیر می فروش که ذکرش بخیر باد
گفتا شراب نوش وغم دل ببر زیاد

رابطه ایشان با باده از این راه بود. ولی سپس در علاقه‌مندی بآن‌راه افراط نموده ستایشهای بسیاراز آن نموده وخود آنرا یک مقصد بزرگی برای خود گردانیده ودر گفتگو از آن داد گزافگویی داده اند.

چون در گذرم بباده شویید مرا
تلقین ز شراب و جام گویید مرا
خواهید بروز حشر یابید مرا
از خاک در میکده جویید مرا

خوشبخت رند مست که دنیا وآخرت
برباد داد وهیچ غمش بیش و کم نداشت

تاک را سیراب کن ای ابر نیسان دربهار
قطره تا می میتواند شد چرا گوهر شود؟!

بدینسان خود را به بیکاری و بیعاری زده و چون کسی بنکوهش برمیخاست دست بدامن «جبری گری» زده میگفتند خدا مارا چنین آفریده، خدا اینرا برای ما خواسته.

زین پیش نشان بودنیها بوده است
پیوسته قلم زنیک و بد ناسوده است
تقدیر ترا هر آنچه بایستی داد
غم خوردن و کوشیدن ما بیهوده است

در کوی نیکنامی مارا گذر ندادند
گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را

برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر
که ندادند جز این تحفه بما روز الست

گاهی نیز بسخن رویه ریشخند و شوخی داده میگفتند: خدا چون مارا از خاک می آفرید آنخاک را با می سرشته و آنست که ما دلداده باده ایم و ازآن دست نمی توانیم کشید.

خاک مرا چو در ازل از می سرشته اند
با مدعی بگو که چرا ترک می کنم!؟

و چون بیشتر آنان کسان گرسنه ولایی بودند که بیکار نشسته خود و خاندانشان را گرسنه می گزاردند و بگفته خودشان خرقه و دفتر گرو گزارده باده میخوردند، و کسانی باین بیهودگی آنان خرده میگرفتند در پاسخ اینها نیز دست بدامن «قسمت» زده میگفتند:

بشنو این نکته که خودرا زغم آزاده کنی
خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم
با پادشه بگوی که روزی مقرر است

و چون یکسانی از دینداران بر می خوردند و گفتگو از جهان دیگر وکیفر بمیان میآمد بریشخند پرداخته میگفتند: می خواری را خدا برای ما خواسته دیگر چه جای کیفر داده است.

بی حکمش نیست هر گناهی که مراست
پس سوختن روز قیامت ز کجاست

یاخود را زیرکانه براه دیگری زده می گفتند: از گناه ما و ثواب دیگران بخدا چه سود وزیانی خواهد رسید که بما کیفر وبدیگران پاداش دهد.

بیا که رونق اینکارخانه کم نشود
بزهد همچو تویی و بفسق همچو منی

این سخنان خراباتیانست که ما از گفته‌های خیام و حافظ و دیگران بدست می آوریم. این سخنان در نگاه نخست گیرا مینماید اینست کسان بسیاری فریب آنهارا خورده‌اند.

ولی باید گفت بسیار پوچست. این سخنان در واقع دو جمله است: یکی آنکه این جهان یکدستگاه بیهوده ایست و ازآغاز وانجام آن چیزی دانسته ما نیست. دیگری اینکه ما باید بهیچ کوشش نپردازیم و بامستی و خوشی روز گزرانیم.

باید گفت نخست اینجهان یکدستگاه آراسته و تمامیست و با یک بینش و نگرش این روشنست که آفریدگار دانا و توانایی آن پدید آورده و یک‌سامانی در آن بکار برده (و ما چون درجاهای دیگری از این زمینه سخن رانده ایم در اینجا بآن نمیپردازیم). دوم برفرض آنکه جهان یکدستگاه بیهوده‌ای باشد معنایش این نخواهد بود که‌ما هیچ کوششی برنخیزیم و تنها بخوشی ومستی بپردازیم. یکمرد باخرد اگر بیک زندان تاریکی هم بیفتد باید در این اندیشه باشد که در آنجا چگونه زندگی کند و چگونه دشواریها را بخودشان گرداند وهیچگاه این نگوید که چون اینجا نه بدلخواه منست من دیگر نخواهم اندیشید و کوشید و سرم را گزارده خواهم خوابید. آن مقدمه که چیده اند غلط و اینجا نتیجه که می گیرند غلط‌تر میباشد. یک غلط دیگرشان هم جبریگریست که آنهم شعرها درباره‌اش ساخته اند.

شانزده خواست آزادگان

«۲»

بند یکم - هواداری از مشروطه وقانون اساسی وایستادگی در جلو بازگشت استبداد

مردمیکه دریکجا می‌زیند باید در میان ایشان یک حکومتی باشد یا یعنی یک نیرویی باشد که بکشور ایمنی داده دست دزدان وراهزنان وآدمکشان را کوتاه گرداند، وکشور را از هجوم یاتاخت و تاراج بیگانگان نگه دارد دادگاهها برپا گردانیده بدعاوی فیصله دهد وجلوگیری از ستمگران وآزمندان کند، از هر راه بآبادی ونیرومندی کشور وتوده بکوشد.

چنین نیرویی را «حکومت» یا «سررشته داری» می نامند، واین سررشته داری بچند گونه تواند بود، یکی آنکه اختیار آن بدست یکتن سپرده شود که بدلخواه وخود کامگی ویا از روی قانون فرمان راند و کشور را راه برد. دیگری اینکه نمایندگانی از سوی توده برگزیده گردند و رشته کارها را بدست گرفته درزیر نظر توده آنهارا پیش برند.

آنگونه حکومت که یکتن فرمان راند آزموده گردیده که زیانهای بسیاری دارد. زیرا یکتن - چه بنام پادشاه و چه بنام خلیفه - اگر ستمگر وآزمند باشد بجای راه بردن کشور وتوده مردم را زیردست گردانیده بستم وآزار خواهد کوشید واینکه کسان وپیرامونیان او سرایت کرده یکدستگاه بزرگ بیدادگری برپا خواهد شد. واگر پرهیزکار ونیکوخواه باشد اینزمان نیز یکتن از عهده چنان کار بزرگی برنیامده کوتاهیها پدیدار خواهد گردید.

بویژه که در زمانهای آخر کارهای سررشته داری بسیار فزونتر گردیده. امروز حکومت گذشته ازکارهای دیگر باید یک اداره بزرگی بنام فرهنگ دایر گرداند که بفراهیت بچگان و جوانان کوشیده، باید دانشهارا درمیان توده رواج دهد، باید مواظبت به تندرستی مردم داشته، بیماریهارا از کشوردور گرداند. باید سپاه وافزار جنگ آماده سازد، درسیاست یکراه بخردانه پیش گیرد. اینها ومانند اینها چیزهاییست که در زمانهای پیش نبوده. زمانهای پیش زندگانی ساده تر ازاین بوده. ازاینرو امروز دیگر فرمانروایی یکتن - اگرچه پرهیزکار ونیکوخواه باشد ویابندی یک قانون یاشریعت نماید، نیک نیست. امروز را با آغاز اسلام یکسان نتوان گرفت.

ازآنسوی فرمانروایی یکتن مردم‌را برده می‌گرداند واندیشه هاشان پست میسازد. جدایی میانه برده و آزاد همین بوده که برده اختیارش در دست دیگری وخود بایستی فرمانبرداری ازو نماید و درباره هیچ چیزی پرسشی نکند و کورکورانه زندگی بسر دهد.

درسر رشته داری یکتن نیز مردم هیچگونه اختیاری درباره کارهای کشور (بلکه درباره کارهای دیگر نیز) نداشتند و هیچگونه آگاهی از حال کشور و از سیاست آن نمی یافتند و هیچ پرسشی نمی‌توانستند کرد. بایستی سر پایین اندازند و کورکورانه فرمان برند و بارها رخ میداد که بکشوری دشمن بیمناکی رو می‌آورد وپادشاه پروای مردم نکرده و آنان‌را آگاه نگردانیده خود بچاره‌هایی - از سودمند و زیانمند - برمیخاست، و چون نتیجه‌ای بدست نمی آمد خود گریخته مردم را بدست دشمن میداد که بهترین مثل این داستان دلگداز مغول و رفتار سلطانمحمد خوارزمشاه است.

خرده‌گیری و پاسخ آن

(۴)

امروز توده ها باهم در نبرد بسیار سختی هستند و زندگانی رو به جنگ و کشتار بخود گرفته . . . اینست در همه کشور ها مردم، چه زن و چه مرد، چه پیر و چه جوان بدولت خود پشتیبانی می‌نمایند و جان و دارایی در راه آن دریغ نمیگویند. ببینید دختر های روسی رخت سربازی پوشیده همدوش شوهران و برادران خود برای جانفشانی در راه مقاصد دولت آماده گردیده‌اند. در خیابانهای تهران و قزوین و تبریز چشم باز کرده این دختران جانباز را تماشا کنید. این نمونه ای از دلسوزی و علاقه‌مندی توده های دیگر بکشور و دولت خودشان میباشد.

در چنین هنگام جهان ملایان در ایران بالای منبر میروند و داد میزنند: مردم بدولت مالیات نپردازید، بسربازی نروید، اگر در جنگ دولتی کشته شوید مرتد هستید، اگر پول دولت را بدزدید با اجازه علما تقاص کرده اید. پس از سالیان دراز که زنان ایران از توبره سیاه بیرون آمده اند و میتوانند دراین روز های سخت شریک درد و گرفتاری مردان خود باشند، آخوندها میکوشند که دوباره آنان را بدرون توبره بیندازند.

اینها در خور خاموشی نیست. باید باینها چاره کرد. این سخنان زهر است که بخورد توده داده میشود. باید موضوع یکرویه گردد. اگر سخنان ملایان راستست و دلیلی برای گفته های خود دارند باید حکومت بدست آنان سپرده شود که اداره کنند، و اگر راست نیست و دلیلی ندارد، و یا نمی توانند حکومت را اداره کنند باید هرچه زودتر جلو آنان گرفته شود.

اینجا جای تسامح نیست. اینجا پای زندگانی یک میلیون مردم در میانست. برای آنکه دانسته شود آن گفته های ملایان چه نتیجه های زشتی را در پی دارد داستانهایی یاد می کنم:

دو سال پیش من به تبریز رفته بودم آقای احمد کاوه ای که امروز رئیس مالیه [illegible] تبریز بود و امروز رئیس دارایی اصفهانی اینجا میباشد و تبریزیان و اسپهانیان و دیگران از اندازه پاکدلی و درستکاری او آگاهند باین شگفتی این داستان را گفت: یکی از بازرگانان توانگر تبریز بایستی سی و چند هزار ریال مالیات بر درآمد بپردازد و چون نمی پرداخت کمیسیون او را سخت گرفت و شبانه دیدم همان توانگر بخانه من آمد و پول از کیف خود در آورد و جلو من گزاشت و گفت: «این سی و چند هزار ریالست که میخواهید. من ناداری نیستم. این پول را بخودت میدهم بدولت نمیدهم. مذهبم مرا نهی کرده» این را گفت و برخاست و من درماندم که باو چه بگویم و فردا دستور دادم رسید برایش فرستادند.

نیک اندیشید که بدآموزیها چه نتیجه‌ای را داده. مرد تیره درون میخواهد رشوه بدهد ولی مالیات نپردازد و میگوید: «مذهبم مرا نهی کرده» شما از اینجا پی ببرید که چرا در ایران همیشه بخشی از مالیات لاوصول میماند.

یک سیدی از تبریز بتهران آمده چون پسرش از کارکنان وزارت دارایی است بنام آنکه نان او از پول دولت و خود حرامست بخانه او نرفته و چون خود نیز پیر است و تاکنون عادت بکار و پیشه نداشته ناچار از این و از آن پول میطلبد و زندگی بسر می برد. مرد نادان گدایی و آبروریزی را بخوردن نان یک کارکن دولتی ترجیح میدهد.

از این داستانها صدها و هزارها توان نوشت و زیانش نیز بیشتر از آنست که من در اینجا توانم یاد کرد.

یکی از بزرگترین علل بدبختی ایرانیان همینست: اینکه پس از سی و هفت سال که از تاریخ جنبش مشروطه می‌گذرد هنوز یکی از هزار تن معنی درست مشروطه را نمیدانند، اینکه انبوه مردم بکشور و توده علاقه‌مندی ندارند، اینکه امروز این بدبختی بکشور رو داده که در سالیکه از آسمان باریده و از زمین روییده مردم گرسنگی میکشند و در هنگامیکه تازه خرمنها برداشته شده در جلو نانوایی ها ازدحام میشود علت بزرگ آن همینست. یک مردمی که پشتیبانی از دولت نمی نمایند بلکه خودرا موظف از کارشکنی می‌دانند خواری و زبونی به پیشانی آنان نوشته شده و بیگمان در این جنگ و کشاکش لگدمال و نابود خواهند گردید.

اینست دوباره می نویسم: باید باین چاره کرد. دوباره می‌نویسم: شما یا خود ملایان به پرسشهای من پاسخ دهید. پاسخ دهید که ببینم اگر حکومت حق شماست ما نیز بیاوری کوشیم و این دستگاه را بر انداخته سررشته کارها را بدست شما دهیم. اگر حق با شما نیست و یا نمی‌توانید آن نیز دانسته گردد و راه روشن باشد. بهر حال چشم براه پاسخ خواهم بود.

از اینجا و از آنجا

ستار خان

از ستار خان بارها عکس آورده ایم و این عکس دیگری از او میباشد.

آیا جنگ بایران خواهد رسید

(۳)

اینهارا که می اندیشیم باین نتیجه میرسیم که کار جنگ بسیار سخت گردیده و چنانست که درباره آینده پیش بینی بسیار دشوار است. بخصوص که‌ما نمیدانیم آیا آلمانها بقفقاز از شمال و از راه کوهستان حمله خواهند آورد، یا در دریای سیاه چیرگی خودرا بیشتر گردانیده از کناره ها به پیشرفت خواهند کوشید ویا از یکی از بندرهای جنوبی ترآن بحمله خواهند پرداخت.

بگفته برخی کارشناسان اگر آلمانها بندر باتوم را بدست آورند و بتوانند از آنراه بقفقاز درآیند رشته کوه های البرز را در پشت سر انداخته وخود را از یک رشته سختیها رها خواهند گردانید ولی آیا دست یافتن به باتوم آسانست؟ آیا نیروی دریایی روس که در دریای سیاه است اجازه چنان حمله‌ای را بقفقاز خواهد داد؟ . . اینها موضوعهاییست که باید جریان حوادث آنهارا روشن گرداند.

کوتاه سخن آنکه آلمانها هنوز یکمرحله بسیار سختی را در پیش خود دارند که باید بگذرانند، دست یافتن بآن آسانی که کسانی میپندارند نیست. اما گمان اینکه اگر استالینگراد بدست آلمانها بیفتد روسها پیشنهاد آشتی وپیمان بندی کنند که کسانی در ایران گمان می کنند بسیار بیخردانه است. کاش میرسید آنروزی که مردم ایران نیز فهمیده سخن می گفتند.

روسها در اینجنگ تا پایان پافشاری خواهند نمود. زیرا اینجنگ گذشته از موضوع آب وخاک ارتباط براه و آیین بلشویک دارد. دشمنی فاشیست با بلشویک داستان شناخته‌ایست. ازآنسوی روسها باانهمه گزندیکه تاکنون دیده‌اند خود را نباخته‌اند وازپا نیفتاده اند وروسیه را بافرانسه ولهستان مقایسه نتوان کرد.

آری اگر استالینگراد بدست آلمانها بیفتد یک دشواریهایی برای روسیان در میان خواهد بود. این چیزیست که خودشان هم می گویند. لیکن نه چنانست که دست وپای آنان را ببندد و ناگزیر گرداند که از دشمنی که آنهمه گزند دیده‌اند آشتی خواهند.

اساسا در اینجنگ آنچه بسیار دور می نماید گفتگوی آشتی و آرامش است. هنوز دولتها سرگرم بسیجها برای آینده هستند وپیداست که هرکدام از آنها با فشاری چند ساله را بدیده گرفته اند وسالیان درازی اینجنگ وخونریزی در میان خواهد بود.

شما می بینید دولتهاییکه سراسر زمینهای خود را بدست دشمن سپرده اند همچون یونان و هلند ونروژ و چکوسلواک ودیگرها باز در اندیشه آشتی نبوده سران کشور به بریتانیا پناهنده، ودر آنجا با متفقین همدستی مینمایند وهمچنان در دشمنی پا میفشارند. معنی غیرتمندی و گردنفرازی این است که تا آخرین توانائی خود با دشمن دشمنی کنند. اینها نمونه‌ایست که در اینجنگ آنچه هنوز نمودار نیست و باین زودیها نمودار نخواهد گردید گفتگوی پیمان و آشتی میباشد.

داوری توده

آقای کسروی دارنده پرچم

نگارنده از کودکی ذوق ادبی داشتم کتابهائی که درمکتب خانه‌های قدیم دروس مرا تشکیل میداد: جودی، حافظ، گلستان، مثنوی، نصاب ابونصر، وغیره بود و پس از آنکه دبستان ودبیرستانها پیدا شد کتابهای فارسی که دانش‌آموزان میخواندند مطالعه کردم بیشتر صفحات آنها هم از همان کتابهایی که در مدارس و مکاتب [illegible] گردیده بود رواج یافته است گمان میکردم همه [illegible] در بطن شعر خوابیده است و حقیقت را باید در قصاید هزارها شعر پیدا نمود و برای اظهار حقایق کوتاهی میکردم.

این بود که همیشه دنبال کتابهای شعری را گرفتم و خواندم بیشتر آنچه کتابهای شعری نوشته‌اند بجائی که خودم هم قریحه شعر گویی پیدا کردم ولی بیشتر اوقات که از روی تمرین درمرهای برجسته آنها غور میکردم آنچه بیشتر تجسس مینمودم بحقایقی که لازمه زندگانی ومحتاج الیه بشر ونظم عالم است کمتر بر میخوردم؛ و بیشتر قسمت هائی که یاس آور است از قبیل بی‌بنیانی زندگانی، جبر وقضا وقدر، ومهمل گذاشتن دنیا وعشق ورزی و پاشیدن غیرمعلوم بمورد بحث آنها است تا اینکه از چندی پیش بخواندن نگارشات روزنامه پرچم که صد در صد آن نشر حقایق ولب مطالب مورد احتیاج دنیا و آخرت است خو گرفتم و بی‌بانی شعر را که مورد شک خودم واقع شده بود دریافتم. آنچه درحوصله و افکار خودم از اثرات شعر و شعری رسم شده بود شستم.

مانند جوانی ازروی شهوت و مستی شبی را در آغوش زن فریبنده‌ای بسر برده وصبح چشم گشوده پشیمان و موجود تنفر وانزجار وجدان خود واقع شده باشد دیگر ازبیمانی بی جای سجع وقافیه — تشبیهات و استعارات جناس ولف نشر — ممتاز بدیهه. هزل و مطایبه اغراق — وحسن طلب وهزاران القابی که بنام صنایع شعری وادبیات نامیده میشود بیزارم سخن و گفتار اگر راست وحقیقت است باید مانند نگارشات پیمان و پرچم خالص و عریان باشد اگر دروغ و بی پاست با آرایش وپیرایش مصنوعی راست و درست نمیشود.

«بقیه درصفحه دوم»



گزارش کشور

پرت شدن از ماشین

ساعت ۲۰ر۲۲ دقیقه اعتماد شهابی کارمند شهرداری که باسه نفر رفقایش با اتومبیل شماره ۳۱۰ از شمیران بشهر میآمدند در منگل بهلوی غفلتا در اتومبیل باز بزمین پرت و سخت مجروح میشود نامبرده در بیمارستان رازی بستریست

فوت ناگهانی

حسن نام شاگرد خیاط موقع پاك كردن لامپ چراغ مغازه برق اورا گرفته بلافاصله در گذشته است.

تصادف و فوت

ساعت ۱۱ اتومبیل سواری شماره ۳۲۶۶ برانندگی غلام محمد در جاده شمیران بعلی محمد سرباز وظیفه تصادف و مجروح بلافاصله فوت مینماید.

افتادن در چاه

علی محمد مقنی موقع رفتن چاه منزل علی حدادیان در چاه افتاده و پس از خارج نمودن از چاه به بیمارستان رازی اعزام میشود.

معاون اداره ترویج منسوجات

آقای صادق شیرازی کارمند وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بسمت معاونت اداره فروش منسوجات داخلی در آن وزارتخانه منصوب گردیده‌اند.

نتیجه آخرین مسابقه تنیس

دیروز عصر آخرین مسابقه تنیس دونفری باشگاه بانك ملی بین آقایان دکتر اعتبار و علائی با آقایان بختیار و نیساری بعمل آمد. مسابقه بنفع آقایان دکتر اعتبار و علائی تمام شد. بطوریکه قبلا از طرف بانك شده بود در زمین باشگاه عده‌ای از رجال محترم پایتخت ووزیران سابق و خارجیها حضور داشتند.

در پایان مسابقه آقای علا رئیس بانك ملی از اقداماتیکه در زمینه ورزش بخصوص در تنیس و شنا در باشگاه بانك ملی بعمل آمده شرحی ایراد کردند. سپس گلدانهای نقره بین برندگان تنیس و شنا توزیع شد انگاه ازمدعوین بفه برائی برای صرف چای شد و در آخر سالون مخصوص بازی (سکووش) در حضور آقایان و بانوان افتتاح گشت.

تحویل امور خرید برنج

از فریدون کنار اطلاع میدهند که اداره خوار و بار امور خرید برنج را از اداره اقتصادی تحویل گرفته و از اول آبان مشغول کار شده‌اند. آقای بخشدار بابل از طرف آقای استاندار برای بازرسی راجع بشکایت رعایا بفریدون کنار آمده و پس از بازرسی بازگشت نموده‌اند. وضع خوار و بار فعلا بد نیست.

مراجعت فرماندار

از قزوین خبر میدهند که آقای قیامی فرماندار که چند روزی برای گزارش حضوری به تهران رفته بودند به قزوین مراجعت کرده و مشغول انجام امور فرمانداری میباشند.

تحویل چغندر قند

از تخت جمشید خبر میدهند که از صبح روز سوم آبانماه تحویل چغندر به کارخانه قند مرو دشت شروع شده تا پس از تهیه مقدار کافی شروع به بهره برداری شود.

از شادگان

روز جمعه ۲۴ مهر ۳ ساعت پیش از ظهر آقایان کنسول دولت انگلیس و فرماندار خرمشهر باینجا وارد واز پس مذاکرات لازم و بازدید بازرگانان مشایخ ایلات وعده مساعدت با شیوخ نامبرده را داداند.

سارقین بمنزل حاجی موسی نبوی شبانه داخل شده و در حدود ٤٦ مثقال طلا و ۲۵۰ ریال وجه نقد از منزل وی ربوده اند.

روز ۲۹ مهر ماه عده از مشمولین متواری این منطقه که بعناوین مختلف هنوز جمع آوری نشده بودند بوسیله مامورین شهربانی احضار و بخرمشهر اعزام شدند.

چون سرشماری اینجا خاتمه یافته بود مامورین دارائی و بخشداری و آمار شروع بتوزیع کوپنهای جیره‌بندی نمودند

داوری توده

باز مانده از صفحه اول

متاسفانه در چندساله اخیر درایران مقام عظمتی برای شعراو بویژه خیام در نظر خاص و عام قائل شدند و اشعار سراسرزبان آنهارا رواج دادند و بقدری ستودند که در افواه و ازهان مانند نقش در سنك جای گرفته خدا میداند چه زیانهائی نصیب توده شده همین یك رباعی راکه بنام خیام مسجل و رواج است:

تا بتوانی خدمت رندان میکن
بنیاد نمازو روزه ویران میکن
بشنو سخن راست زخیام عمر
می میخور و ره میزن واحسان میکن

باید سنجید و دید که ایا فساد آن چه اندازه است. ستایش خدا را نکردن، می خوردن — راهزدن — دزدی — رشو گرفتن — خیانت درامانت — تقصیر و جنایت همه اینهارا با چند شاهی بیا بیشتر احسان از بین میبرند و خودرا تبرئه مینمایند و بروح گوینده رحمت میفرستند که ما را از قید انتظام باطنی خلاص نموده است.

قزوین م. نصری

پرچم راست است که در سالهای اخیر، بدخواهانی (بازبان امروزه گوییم: خاینانی) برای افزودن به بدبختی ایرانیان یك هیاهوی بزرگی در بساره شاعرات برانگیختند وهزادان کسانی را از جوانان و دیگران آلوده گردانیدند. ولی سپاس خدا را که نگزاشت آن بدخواهان بآرزوی خود رسند و مارا فیروزمند گردانید که بدینسان تیشه بریشه همه بد آموزیها میزنیم و از هرسو پاکدلان بهمراهی ما می‌شتابند. این داوریها که ما در پرچم بچاپ می‌رسانیم هریکی گواه دیگری بفیروزی حقایق است. خدا را سپاس! خداوا سپاس!

تلگراف خجسته باد از تبریز

پرچم مقدم آقای امام را به آزادگان تهران خجسته باد گفته آرزومندیدارشان هستیم.

آزادگان

تلگراف از اهواز

روزنامه پرچم - از نیامدن پرچم متاثریم امام - آزادی

پرچم روزنامه درنتیجه تبدیلی که در شماره صفحه ها وریزی حروف بایستی رخ دهد یکهفته نا بسامان بیرون آمد ولی خشنودیم که دوباره بسامان افتاده واز سوش های پاکدلانه آن دو جوان خرسند وسپاسگزار میباشیم.

۱۷ دست لباس برای فقرا

بطوریکه از بم کرمان اطلاع میدهند هزینه جشن چهارم آبان بمصرف ۱۷ دست لباس برای فقرا رسیده و نیز محترمین روسای ادارات پنجهزار ریال تعهد کرده اند تا بمصرف تهیه لباس بقیه دانش آموزان بی بضاعت برسد.

کمیابی نان در شبستر

آگهی نویس ما از شبستر تلگرافا آگهی میدهد که نان وسایر مواد غذائی نایاب شده و بدست میآید و بدینوسیله تقاضای توجه زمامدارانرا نموده است.

متاسفانه نه تنهادرشبستر این گرانی وکمی خواربار مشهور گردیده بلکه این سختی زندگی و نبودن نان در کلیه شهرستان ها وحتی دهات نیز مشاهده میکردد ما دراین موقع که عموم اهالی کشورنگران این وضع بوده ومتوجه هستند تا ببینند دولت چه اقدامی مینماید یا چطور خوار بار ساکنین کشور راتامین مینماید؛ امید مندیم وزارت خوار بار دست بیکرشته اقدامات سودمندی بزند که نتیجه آن هر چه زود تر آشکار شود تا عموم از این اضطراب رهایی یابند.

خفه شدن در آب

مخصوص دختر دو ساله احمد مقیم بخش ٦ در حوض افتاده خفه شده است پس از انجام تشریفات قانونی جنازه دفن میشود.

تصادف عجیب

ساعت ۲۱ و ده دقیقه اتومبیل سواری ۱۳۱ با اتومبیل شماره ۲۳۱٦ در جاده شمیران تصادف کرده چهار نفرمسافرین اومجروح وبه بیمارستان وزیری فرستاده میشوند پس از چند دقیقه اتومبیل شماره ۱۰۰٦ که از شمیران به شهر می آمده در محل مزبور بدو اتومبیل نام برده بالاتصادف در نتیجه پنج نفر مسافر اتومبیل ۱۰۰٦ جزئی مصدوم شدند.

گزارش جهان

تازه‌ترین خبر ها

جبهه خاور — در سرتاسر این جبهه در این روز ها فعالیت شدیدی از طرف نیروی محور مشاهده میشود وروسها با دلاوری شدیدی پایداری نموده سعی مینمایند این کوشش نیروی محور را تا آنجا که ممکن است خنثی نموده یا لا اقل بتعویق اندازند. موضوعی که باعث عجله وشتاب طرفین در جنك وسعی دررسیدن بنتیجه غائی و نهائی آن شده است همانا تنگی وقت و رسیدن سرمای سخت روسیه شورویست.

نیروی کمکی مارشال تیموچنکو که مامور حمله بجناحین راست و چپ نیروی محور در شمال و جنوب است با حرکت دورانی بزرگتری ناچار شده مانورمنظوره را انجام دهد زیراسپاهیان آلمانی که چندیست بمنظور فرماندهی شوروی ازاین عمل پی برده‌اند باتمام وسایل سعی بتقویت جناحین خود مینمایند بطوریکه میتوان گفت آلمانها بهمان اندازه لشکری که در خود شهر وارد عملیات نموده اند و در مرکز استالین گراد با آنها بجنگ پرداخته اند، برای دفاع جناحها نیز بهمان اندازه لشکر بکار میبرند و از ابراز هیچگونه فداکاری در این مورد مضایقه ندارند.

فرماندهان نیروی شوروی برای وارد آوردن ضربت سخت بجناحین سپاهیان محور، و فرماندهان نیروی محور برای خنثی نمودن این عمل با آوردن لشکریان احتیاط و قوای کمکی بمسابقه دست زده اند که بقول محافل نظامی نتیجه جنك استالینگراد منوط باین مسابقه میباشد.

این زد و خورد و این مانور دورانی برای محاصره نمودن طرف و وارد آوردن ضربت بجناح دشمن درست شبیه بهمان ما نوریست که نیرو های شوروی و محور چند ماه قبل در اطراف خارکف انجام دادند با این تفاوت که در آن جنك نیروی شوروی بسوی خارکف هجوم میبرد و آلمانها بجناح مهاجمین حمله میکردند در اینجا قضیه بعکس گردیده باینمعنی که نیروی محور هجوم بشهر استالینگراد آورده ونیروی شوروی سعی مینماید جناح آلمانها را بشکافد.

بهر حال موضوعی که در اینجا روشن است آنست که نیرو های طرفین با استقامت و فداکاری که از خود نشان داده اند وبا فرماندهان لایقی که دارند نه غافل گیر شده و نه در صورت محاصره تسلیم خواهند شد این زد و خورد نیز نتیجه جز جنك خارکف نشان نخواهد داد، باینمعنی که درآخر کار پس از وارد شدن تلفات بیشمار بطرفین، فتح با طرفی خواهد بود که بیشتر افراد آن باقی مانده و کمتر تلفات داده باشد..

نیروهای محور در قفقاز در توابس و نالچیك و سایر نقاط مرتفعه جبهه کوهستانی جنوبی با تفوق نیرو وسربازان بیشتر حملات سختی نموده اند که در نتیجه پس از دادن تلفات سنگینی موفق به پیشرفتهایی شده‌اند.

سررشته داران امور شوروی با تاسیس کنفرانسها و مجالس تبلیغی اکنون مشغول تهییج مردم قفقازیه و داغستان برای جنك با محوریان گردیده‌اند و هر چه بیشتر میکوشند تا موانع بیشمار ارتش آلمان را چندین برابر سازند.

جبهه مصر — در این جبهه سربازان طرفین هنوز بایکدیگر رو برونشده و بزد و خورد های سخت و تن بتن نپرداخته اند. سنگینی رزمی که در این جبهه در گرفته است بیشتر بدوش نیروهای توپخانه وزره پوش و هواپیماهای طرفین است. در این نبرد زره پوش ها باهمکاری توپخانه و هواپیماهای بمب افکن متوسط رل بزرگی را بازی میکنند. انگلیسها بطوریکه در اعلامیه‌های خود نشان میدهند پیشرفت مختصری نموده و بتحکیم مواقع اشغال شده پرداخته‌اند.

هنوز تاکتیکی را که ژنرال رمل در این نبردبازی خواهد کرد و چگونگی برخورد حقیقی نیروی محور باسپاهیان متفقین معلوم نشده است همینقدر از روی نغمه های خبرگزاریهای خارجی چنین برمیاید که نیروی محور وقت را بتعلل و تسامح برگزار نموده و بعلت نقشه که هنوز جزئیاتش معلوم نیست از رو برو شدن با نیرو های متفقین دوری مینماید.

در لندن عقیده عمومی بر اینست که نیروی انگلیسی در پاسخ حملات سخت متقابله تانکهای آلمانی عده زیادی تانك بکار برده وایکن هنوز رزم قطعی تانك های طرفین در نگرفته است.

ژنرال مونت گومری فرمانده ارتش هشتم در باره فرمانده نیروی محور متمرکز در بیابان باوندل ویلکی چنین گفته:

ژنرال رومل یك افسر لایق وزبر دستی است، لکن نقطه ضعف وی آنست که همواره میل دارد تاکتیك یکسانی رابکار برده ودر آن هیچگونه تغییری ندهد باید دانست که بعلت کمی وسعت جبهه جنك های فعلی بیابان سخت تر وتلفات بیشتر ونتایج زود تر وقطعی خواهد بود!..

جبهه خاور دور — اعلامیه ای که روز آدینه انتشار یافته حاکی است نیروی چین در شمال خاوری کانتن بر نیروی ژاپن حمله برد و سرباز خانه های ژاپن را ویران نمود ویکصد ژاپنی را کشته وزخمی کرد.

کوشش‌های سیاسی

بنا برخبری که از صوفیه بخبرگزاری هاواس فواسه رسیده است بوریس پادشاه بلغارستان امروز با زاکرف وزیر مختار خود در برلن مذاکرات مفصلی نموده است.

نخستین سفیر کبیر امریکا در دربار پادشاه یونان هنگامیکه استوار نامه خویش را تقدیم میکرد پیام روزولت رئیس جمهور امریکا رابشرح زیر بپادشاه تسلیم نمود: این نکته شایان توجه کامل است که امریکا ویونان سفیران کبیر بپایتخت کشور های یکدیگر اعزام میدارند تا دوست ودشمن بفهمند که این دو ملت با یك دیگر در حصول ارمانهای خود دارای وحدت نظر میباشند و عزم راسخ دارند که آزادی خویش را در برابر نیروی بدی حفظ کنند.

سرهنك نوکس وزیر دریا داری امریکا در انجمن روزنامه نگاران اظهار داشته که کارکنان نیروی دریائی ژاپن از جزایر سلیمان خارج گشته اند ونیروی امریکا هنوز گوادالکانال را حفظ کرده و تمام اراضی راکه تاکنون اشغال کرده تحت تصرف دارد. سپس اظهار داشته که من نمیتوانم بگویم اوضاع آینده این شبه جزیره چگونه خواهد بود ومایل نیستم ابراز خوش بینی زیادی بنمایم.

جای اداره - لاله‌زار، کوچهٔ مهران
تلفون - ٦۰۳٦ تك شماره درهمه‌جا ۵۰ دینار

چاپخانه تجدد ایران